

مرتون

در سودای تشبیه به علوم طبیعی

○ احمد بخارایی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور

چکیده:

کتاب «جامعه‌شناسی مرتون» توسط پل مرتون در سال ۱۹۳۶ در نیویورک انتشار یافت. این کتاب به بررسی جامعه‌شناسی آمریکا در دهه ۱۹۳۰ میلادی می‌پردازد. مرتون در این کتاب به بررسی نقش‌های اجتماعی و فرآیندهای اجتماعی در جامعه آمریکا می‌پردازد. او به بررسی نقش‌های اجتماعی و فرآیندهای اجتماعی در جامعه آمریکا می‌پردازد. او به بررسی نقش‌های اجتماعی و فرآیندهای اجتماعی در جامعه آمریکا می‌پردازد.

الگوهای نظری که از مشخصات جامعه‌شناسی آمریکایی بعد از جنگ جهانی دوم بود از آن‌چنان جذابیت و ویژگی‌های بالقوه تفسیری بهره داشت که می‌توانست به عنوان سرچشمه و منبع نظری توسعه جامعه‌شناسی ایفای نقش کند. رابرت مرتون در این مرحله از توسعه جامعه‌شناسی وارد عرصه علمی شد و به غیر از تالکوت پارسونز در مقام یک نظریه‌پرداز اجتماعی از قدر و منزلتی بسیار فراتر از نظریه‌پردازی نظیر گافمن، کوزر، گلدنر و نیسبت برخوردار بود.

فصل دوم کتاب به زندگینامه علمی مرتون می‌پردازد. مرتون در سال ۱۹۱۰ در فیلادلفیا به دنیا آمد. در سال ۱۹۳۹ به سمت استادیاری در دانشگاه هاروارد منصوب و موفق به دریافت درجه دکتری افتخاری از ۲۰ دانشگاه شد. او در دانشگاه‌های مختلف به تدریس و تحقیق اشتغال داشت و ریاست انجمن‌های علمی بسیاری را عهده‌دار بود. مرتون دارای ۱۲ اثر تألیفی، یازده مورد تصحیح یا ویرایش کتاب، ۱۲۵ مقاله و ۱۲۰ مورد نقد و بررسی کتاب بود.

کیفیت خاص نویسندگی مرتون مربوط می‌شود به عشق او به کلمات و زبان که او را به شعرا و واژه‌شناسان نزدیک می‌کند تا آن‌جا که نثر و کلام فنی سرشار از شادابی او در نقطه مقابل نثر بی‌روح پارسونز قرار می‌گیرد.

علاقه عمده مرتون در حوزه‌های نظریه‌های اجتماعی، جامعه‌شناسی علم و جامعه‌شناسی معرفت متمرکز بوده تا آن‌جا که از ۱۹۳۰ تا ۱۹۸۰ یعنی پنج دهه از دوره‌های سنی او را دربرمی‌گیرد، اما علاقه فرعی او به حوزه‌هایی چون جامعه‌شناسی انحرافات، روابط قومی، روش‌شناسی پژوهش‌های اجتماعی، جامعه‌شناسی شهری، ارتباطات جمعی، جامعه‌شناسی پزشکی و جامعه‌شناسی سازمان‌ها تعلق دارد.

بیشترین علاقه مرتون در آغاز دوران حیات علمی‌اش در دهه ۱۹۳۰ صرف‌نظر از رساله دکتری او که در حوزه جامعه‌شناسی علم بود، معطوف به حوزه جامعه‌شناسی انحراف

نویسنده کتاب، چارلز هنری گاردنر گروترز دارای دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه ویکتوریای نیوزلند و در زمان انتشار کتاب در سال ۱۹۸۷ استاد ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه اکلند نیوزلند بوده است.

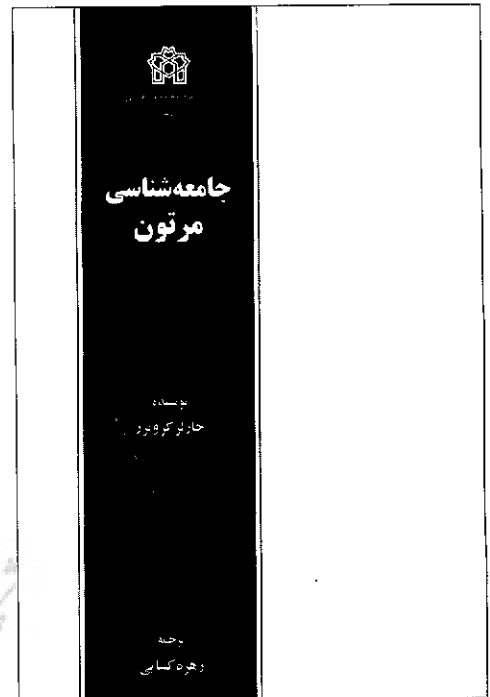
کتاب او با عنوان اصلی «رابرت. کی. مرتون» که در ترجمه به «جامعه‌شناسی مرتون» تغییر یافته به نقش کلیدی رابرت مرتون در سیر تحول جامعه‌شناسی معاصر آمریکا و فرآیند اثرگذاری زبان و متدولوژی مرتون بر الگوی جامعه‌شناسی آمریکایی و نیز نحوه برخورد او با مسائل اجتماعی می‌پردازد. در این یادداشت، صرف‌نظر از موضوع ترجمه کتاب توسط خانم زهره کسایی که مستقلاً قابل طرح و بررسی آن از توان تخصصی نگارنده خارج است، کتاب یاد شده در دو بخش بررسی خواهد شد.

الف) مروری بر فصل‌ها

کتاب «جامعه‌شناسی مرتون» شامل هشت فصل است. در فصل اول با عنوان «علت بررسی جامعه‌شناسی مرتون» نویسنده کتاب معتقد است یکی از دو بازوی نظری جامعه‌شناسی آمریکایی بعد از جنگ جهانی دوم که به عنوان یک نظریه کلان شناخته می‌شود، شکل کارکردگرایی ساختی به خود گرفت که از ملاحظات تجربی و انتقاد اجتماعی فاصله داشت. این نظریه اجتماعی محافظه‌کارانه در دهه‌های ۵۰ و ۱۹۶۰ تحت پرتو آشکار تالکوت پارسونز به وجود آمد و از چارچوب نظری پیچیده برخوردار بود.

بازوی دیگر جامعه‌شناسی آمریکایی در دوران بعد از جنگ جهانی درگیر با تجربه‌گرایی انتزاعی بود که در آن مسایل خرد در پیوند با تبیین توزیع اجتماعی نگرش‌ها و رفتارها با هزاران مطالعه پیمایشی همراه می‌شد. این نگرش روانشناسانه اجتماعی قائل به یک فلسفه علمی اثبات‌گرا بود.

پیچیده‌تر شدن روش‌شناسی تحقیقات اجتماعی و طرح



- جامعه‌شناسی مرتون
- چارلز گروترز
- زهره کسایی
- دانشگاه علامه طباطبائی
- ۱۳۷۸، ۲۴۶ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه



رابرت مرتون

زمانی که مرتون کار خود را آغاز کرد، جامعه‌شناسی از یک سو، تحت سلطه دلمشغولی‌هایی چون مسایل زندگی شهری، خانواده، فقر، جنایت و سایر مشکلات اجتماعی ناشی از تمدن صنعتی قرار داشت و از سوی دیگر، نوشته‌های نظری در زمینه جامعه‌شناسی منتشر می‌شد که کلی‌تر از آن بودند که پژوهش‌های جامعه‌شناسی را هدایت کنند

«مکتب کارکردی» در اصل رهیافتی بود که از جانب مردم‌شناسان، بیشتر به منظور تجزیه و تحلیل قانون‌مندی‌های موجود در پس پیچیدگی‌های فرهنگی جوامع محروم از سواد متداول شد. مرتون توانست این رهیافت را اخذ کرده و به رهیافتی که مناسب تجزیه و تحلیل جوامع نوین است، مبدل سازد. او علاقمند بود از ساز و برگ نظری مردم‌شناسی در جامعه‌شناسی استفاده کند. برجستگی کلیدی تجزیه و تحلیل مرتونی در مکتب کارکردی آنجاست که او نظام‌های اجتماعی را به عنوان مجموعه‌ای از بخش‌ها می‌بیند و به تجزیه و تحلیل روابط پیچیده وابستگی میان آن بخش‌ها یا اجزاء می‌پردازد.

۲- تفسیری بر تحلیل‌های کارکردی مرتون؛

- چرا مرتون از اصطلاح تجزیه و تحلیل «کارکردی» بیشتر از اصطلاح زنده و پرتوان «کارکردگرایی ساختی» که توسط نالکوت پارسونز ابداع شده، استفاده می‌کند؟
- آیا از تجزیه و تحلیل «کارکردی» نگاه «تبیینی» بیرون می‌آید؟

- چه رابطه‌ای بین تجزیه و تحلیل کارکردی و ساختاری وجود دارد؟ سؤال‌های فوق از جمله سؤال‌های طرح شده از سوی نویسنده کتاب است که عمدتاً با پاسخ‌های کلی مواجه شده و نکته قابل‌تأملی که روشنگر باشد ذکر نگردیده است.

۳- جهت‌گیری دوسویه مرتون در جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی؛

در طول دهه ۴۰ بسیاری از عناوین و نوشته‌های مرتون به طور خاص اصطلاح «روانشناسی اجتماعی» را دربر داشتند و سپس در اواسط دهه ۵۰ تا اواسط دهه ۷۰ موضوع «جامعه‌شناسی» مطرح شد. این جهت‌گیری به علاقه مرتون درخصوص پیوند معانی اجتماعی نهادها و همین‌طور روابط متقابل «شخصیت اجتماعی» مربوط می‌شود. مرتون چنین متذکر می‌شود که علت بروز «دوسوایی‌ها» آن است که افراد در معرض اشکال مختلف فشارهای از جانب ساختار اجتماعی پیچیده قرار دارند. «نظریه دوسوایی» مرتون، عنوان سومین جلد از مجموعه مقالات مرتون است. مرتون علاقه‌مند است ضمن حفظ علاقه به تجزیه و تحلیل‌های روانشناسانه به متن ساختار اجتماعی رفتارها هم وارد شود.

در فصل چهارم، نویسنده تلاش می‌کند با رده‌بندی کارهای مرتون، گزارشی را ارائه کند که نشان‌دهنده عملکرد نظریه‌های مرتون باشد.

فصل پنج کتاب با عنوان «مواضع نظری پنهان نظریه مرتون» موارد زیر را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد:

۱- ساختار فرهنگی

ساختار فرهنگی به صورت مجموعه متشکلی از ارزش‌های هنجاری حاکم بر رفتار مشترک بین افراد یک اجتماع یا گروه معین، در عین تحمیل خود بر مردم، به وسیله آنها هم نگهداری و منتقل می‌گردد.

مرتون بین «ارزشهای اصلی» یا «اهداف فرهنگی» از یک سو و «هنجارهای نهادی» از سوی دیگر قائل به تمایز است که این هنجارها اشکال مفصل‌تری هستند که در آنها ارزش‌های اصلی به مورد اجرا درمی‌آیند تا بر رفتار اجتماعی تأثیر بگذارند.

توجه و دل‌مشغولی مرتون در جهت کشف رابطه بین فرهنگ و ساختار اجتماعی در حوزه جامعه‌شناسی معرفت است. به عنوان مثال مرتون، این فرضیه‌ها را ارائه کرد: «جوامی با

می‌شود. مقالات معروف او با عناوین: «نتایج پیش‌بینی نشده اقدامات اجتماعی هدفمند» و «ساختار اجتماعی و نابسامانی» محصول این دهه است.

در دهه ۱۹۴۰ مرتون در یک نقد و بررسی گسترده از مطالعات تجربی که توسط ارتش امریکا به هنگام جنگ جهانی دوم راه‌اندازی شده بود شرکت کرد و در آن به توسعه نظریه گروه‌های مرجع پرداخت. در این دهه مرتون به جمع‌آوری نوشته‌های مختلف که اجزاء تشکیل‌دهنده موضع نظری و روش‌شناختی او را در جامعه‌شناسی به وجود می‌آورد مشغول بود که نهایتاً در سال ۱۹۴۹ به انتشار کتاب «نظریه اجتماعی و ساختار اجتماعی» منتهی شد.

سومین مرحله کار علمی مرتون در دهه ۱۹۵۰ به حوزه‌های جامعه‌شناسی پزشکی، جامعه‌شناسی سازمان‌ها و جامعه‌شناسی پژوهش‌های اجتماعی اختصاص داشت. دو کتاب مهم او با عناوین «جامعه‌شناسی امروز» و «مسایل اجتماعی معاصر» محصول این دهه است.

در دهه ۱۹۶۰، مرتون به جامعه‌شناسی علم و مطالعه جنبه‌های درونی علم و بررسی تجربی درباره نظام‌های ارزشیابی در چند رشته علمی روی آورد.

فصل سوم کتاب به توصیف جایگاه مرتون به عنوان یکی از معماران جامعه‌شناسی می‌پردازد.

زمانی که مرتون کار حرفه‌ای خود را در دهه ۱۹۳۰ آغاز کرد، تفکرات جامعه‌شناسانه در امریکای شمالی تحت سلطه دلمشغولی‌هایی چون مسایل زندگی شهری، خانواده، فقر، جنایت و بزهکاری جوانان و سایر مسایل پیچیده انسانی در تمدن صنعتی قرار داشت و از سوی دیگر نیز نوشته‌های نظری زیادی در زمینه جامعه‌شناسی وجود داشت که کلی‌تر از آن بود که بتواند پژوهش‌های جامعه‌شناسی با جزئیات مفصل‌تر را هدایت کند. مرتون علاقه‌مند به ترسیم آن دوره‌ای بود که در آن جامعه‌شناسی این امکان را داشته باشد که خود را از این معضلات رها سازد.

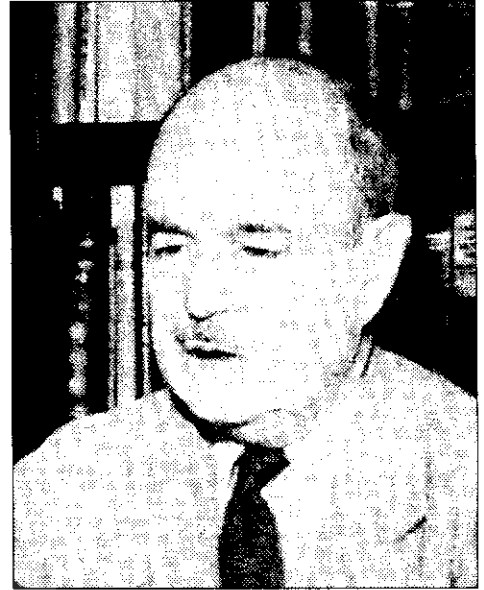
تصویر کلیدی که او از جامعه‌شناسی عرضه می‌دارد، دانشی پیشرونده است که بر الگوی علوم طبیعی بنا شده است و به دقت با دانش اجتماعی ناشی از فهم عامه مرزبندی دارد.

مرتون خاصیت انباشت در جامعه‌شناسی و یکپارچه کردن چارچوب‌های نظری کوچک‌تر در درون ساختارهای نظری وسیع‌تر را از طریق «نظریه برد متوسط» پیگیری نمود. مهمترین مشخصه روش‌شناسی مرتون که بدون شک او را در این زمینه مشهور کرده است، «نظریه برد متوسط» است. این نظریه، واسطه‌ای است میان نظریه‌های کلی که آن‌چنان با انواع خاص رفتار اجتماعی، سازمان‌ها و تغییرات آن فاصله دارند که نمی‌توانند مشاهدات را تبیین کنند و مطالعات تجربی در موارد خاص که هرگز تعمیم نیافته‌اند.

به نظر مرتون، انسان می‌تواند از نظریه‌های برد متوسط نظیر نظریه گروه‌های مرجع، تحرک اجتماعی، تضاد نقش‌ها و شکل‌گیری هنجارهای اجتماعی، درست مثل نظریه قیمت‌ها، نظریه میکروبی بیماری یا نظریه‌های دیگر در سایر علوم سخن بگوید.

نویسنده کتاب در فصل چهارم با عنوان «مواضع نظری آشکار نظریه مرتون» موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

۱- مرتون به عنوان تحلیلگر مکتب کارکردی؛



تالکوت پارسونز

مرتون در پرداختن به موضوعاتی مانند طبقات اجتماعی، استثمار، سرکوب و مواردی از این دست که یک نظریه پرداز را به میراث مارکسیستی جامعه‌شناسی نزدیک می‌کند، به مواضع اخلاقی و موعظه‌گرانه جامعه‌شناسی متمایل شده است

شکاف‌های اجتماعی زیاد مثلاً فرانسه نسبت به جوامعی مثل انگلیس که تاریخی طولانی از نظام ارزشی تقریباً یکدست دارند برای پرورش جامعه‌شناسی در حد وسیع مناسب‌ترند. یک طبقه اجتماعی بالنده نسبت به طبقه دیگری که مدت‌ها در مسند قدرت بوده و اکنون در حال خارج شدن از صحنه قدرت است واقعیت‌های اجتماعی را صحیح‌تر و قابل اعتمادتر می‌بیند. طبقه بالا بر جنبه‌های ایستای جامعه متمرکز است و طبقه پائین بر جنبه‌های پویا و در حال دگرگونی. گروه‌هایی که از نظر اجتماعی محافظه‌کار هستند به اصول چند عاملی در پیوند با علت و معلولهای تاریخی اعتقاد دارند و گروه‌هایی که از نظر اجتماعی افراطی می‌باشند به اصول تک‌عاملی.»

۲- ساختار اجتماعی

از دید مرتون ساختار اجتماعی چنین تعریف می‌شود: «مجموعه متشکلی از روابط اجتماعی که عضو جامعه یا گروه به آنحاء گوناگون در آن قرار دارد و این روابط اجتماعی تحت هنجارها دارای معنا هستند»

مرتون با نشان دادن پیچیدگی مجموعه نقش‌ها، به منابع ساختاری عدم ثبات در نقش، و ساز و کارهای اجتماعی برای برقراری ارتباط بین نقش‌ها و تبیین آنها در یک «مجموعه نقش» اشاره می‌کند. او سعی دارد خواص در حال ظهور «گروه‌های اجتماعی» را که از انواع خاص پایگاه‌ها نشأت می‌گیرد تجزیه و تحلیل کند فلذا بین سه نوع متفاوت از صورت‌بندی اجتماعی قائل به تمایز است: گروه‌ها، جماعات و رده‌های اجتماعی فقط در «گروه» است که شاهد پایگاه مشترک، هنجارهای مشترک و تعامل و روابط متقابل هستیم.

برجستگی نظریه ساختار اجتماعی مرتون در این است که توزیع اجتماعی منابع را در چارچوب ارتباط میان اقتدار، قدرت، نفوذ و اعتبار اجتماعی تبیین می‌کند و به طور کلی آن را وسیله‌ای برای نیل به اهداف مشروع و غیرمشروع می‌داند. مفهوم «ساختار فرصت» که مبدع آن مرتون است نیز به این توزیع اجتماعی منابع اشاره دارد. در ادامه این بحث در کتاب «جامعه‌شناسی مرتون» به جایگاه ساختارهای پاداشی، ساز و کارهای نظارت اجتماعی و ساختار قدرت در «ساختار اجتماعی» اشاره و نهایتاً به چهار منبع «به هم ریختگی» اجتماعی پرداخته شده است که عبارتند از:

- تضاد بین علایق و ارزشها
- تضاد بین پایگاه و وظایف نقشی
- جامعه‌پذیری نارسا
- ارتباطات اجتماعی نارسا

۳- گزینش اجتماعی

یکی دیگر از محورهای مورد توجه نویسنده کتاب، کنش گزینشی هر فرد از آحاد جامعه بین گزینه‌های مفروض ساختاری، در مرکز نظام تحلیلی مرتون است. بر این اساس در طرح مفهومی مرتون، کنشگر از نظر اجتماعی تنها تا اندازه‌ای مجبور است و در درون محدودیت‌های تحمیلی ساختاری از فضایی برای مانور نیز برخوردار است. مرتون در این راستا به تحریر مقاله‌ای به نام «نتایج پیش‌بینی نشده کنش اجتماعی هدفمند» (۱۹۳۶) پرداخت. نادانی، اشتباه، علاقه، ارزش‌های اساسی و پیشگویی خود مغلوبی از جمله محدودیت‌ها در راه پیش‌بینی

درست نتایج و از عوامل اثرگذار در انتخاب گزینه‌های ساختار اجتماعی است.

الگوی مرتون در باب «انتخاب» در مقابل دو مکتب «تعامل نمادی» (انتخاب به وسیله تعریف وضعیت) و مکتب «پارسونز» (انتخاب به وسیله ارزش‌های فرهنگی) قرار دارد. یک نکته اساسی در الگوی مرتون از انسان، اهمیت عنصر شناختی اوست. نویسنده کتاب «جامعه‌شناسی مرتون» در فصل پنج کتاب به نحو اجمال به طرح مباحثی از مرتون درخصوص مدت زمان قابل انتظار اجتماعی، رفتارهای هنجارمند و نابهنجار اجتماعی و چند موضوع دیگر می‌پردازد و در پایان این فصل در بند «نقد و بررسی» اشاره‌ای دارد به برداشت کارکردی مرتون از نظام سیاسی جامعه که براساس آن مرتون معتقد است که کمبودهای کارکردی ساختار رسمی موجب پیدایش ساختار گزیننه غیررسمی می‌گردد که برای تحقق نیازهای موجود به طریقی مؤثرتر عمل می‌کند. مرتون چنین استدلال می‌کند که ماشین سیاسی در مقابل برخی مخالفت‌ها از جانب شهروندان خوب و همچنین در رقابت با برخی منابع عرضه خدمات، تأییدی را برای اجرا یا عمل می‌اندیشد. در این میان، افراد برای به دست آوردن خدماتی معین از منابع مشروع و یا نامشروع، حق انتخاب دارند و برای برخی از گروه‌هایی که راههای محدودی برای کسب منابع مشروع در دسترس دارند، منابع نامشروع از جذابیت برخوردارند. زمانی که مردم منابع نامشروع را برمی‌گزینند این گزینش موجب تناوم بیشتر منابع مذکور می‌شود. به نظر می‌رسد مرتون در ساخت دستگاه تحلیلی خود به نظریه‌پردازی از حوزه شکاگو و مردم‌شناسی اجتماعی و نیز متفکرانی همانند مارکس، دورکهایم، زیمل، وبر و فروید نزدیک شده است. اما الگوی مرتون را نمی‌توان به هیچ‌کدام از آنها کاهش داد.

فصل ششم کتاب با عنوان «کمک‌های عمده مرتون» به نقش مرتون در توسعه حوزه‌های جامعه‌شناسی انحراف و جامعه‌شناسی علم اشاره دارد. در مورد کمک‌های مرتون به جامعه‌شناسی انحراف به نظریه «ناهنجاری» او و «ساختار فرصتی» توجه شده و عمدتاً همان مطالب کلی درخصوص گروه‌های سازگار (پذیرش هدف و وسایل) و ناسازگار (نواور، آئین‌گرا، انزواطلب و طغیان‌گر) طرح گردیده است.

درخصوص نقش مرتون در توسعه «جامعه‌شناسی علم»، نویسنده کتاب علاقمند است عنوان پدر و بنیانگذار جامعه‌شناسی علم را به مرتون نسبت دهد، چرا که او حدود پنجاه سال در این حوزه کار کرد. مرتون در رساله دکترایش نشان داد که چگونه کار علمی واقعی تحت‌تأثیر علایق اجتماعی و اقتصادی قرار دارد. مرتون در یک مقاله دیگر با تجزیه و تحلیل شرایط فرهنگی حامی کار علمی، ضایعه تهدید استقلال علم در آلمان نازی را ترسیم کرد.

مرتون با ایجاد چارچوبی اساسی برای تجزیه و تحلیل علم، توانست مجموعه‌ای از سؤال‌های زیر را مطرح کند و مورد بررسی قرار دهد:

- تغییر تدریجی شرایطی که تحت آن شرایط رقابت علمی شدت می‌گیرد.
- نقش نابغه‌ها در علم در مقابل جبر اجتماعی افکار
- فشار و کنشکشی درونی دانشمندان



پیتریم سوروکین

الگوی مرتون در باب «انتخاب»
در مقابل دو مکتب «تعامل نمادی»
(انتخاب به وسیله تعریف وضعیت) و
مکتب «پارسونز» (انتخاب به وسیله
ارزش های فرهنگی) قرار دارد

بیش از آن که به مباحث محتوایی بپردازد و خواننده را از مفاهیم کتب اصلی مرتون آگاه سازد به ارائه گزارش از زندگی شخصی و روند تدریس و تحقیق و تألیف مرتون پرداخته و نیز اشاره‌های کوتاه و گذرا به نقطه نظرات دیگر اندیشمندان در مورد مرتون دارد.

این کتاب به عنوان گام نخستین در شناسایی اجمالی مرتون حائز اهمیت و مطالعه آن برای دانشجویانی که به دنبال شناخت حلقه مفقوده جامعه‌شناس قرن نوزده و اوایل قرن بیستم از یک طرف و جامعه‌شناس حرفه‌ای و نهادینه امروز از طرف دیگر هستند ضروری است، اما باید به خاطر داشت که مباحث محتوایی در جامعه‌شناسی مرتون معطوف به موارد زیر است که جای خالی آنها در کتاب حاضر، احساس می‌شود:

- تأثیرپذیری مرتون از سوروکین در راهیابی به اندیشه اجتماعی اروپا

- تأثیر کتاب پرتکلف پارسونز با عنوان «ساختار کنش اجتماعی» بر افکار مرتون

- چگونگی به‌کارگیری الگوی کار دورکهایم در نظریه ساختار اجتماعی مرتون به ویژه آنکه اذعان می‌کند: «من بیشتر رویه استاد دور از دسترسم دورکین را اتخاذ کردم تا رویه استاد در دسترسم سارتون».

- روند تکوین فکر جامعه‌شناختی علم که بنا به گفته مرتون: «تنها یک رشته خاص - جامعه‌شناسی علم - است که پیوسته مرا به خود مشغول داشته است».

- انتقاد اساسی مرتون به سه اصل بنیادی تحلیل کارکردی؛ یعنی اصول: وحدت کارکردی، شمول عام و گریزناپذیری کارکردها.

- طرح مفاهیم کارکرد آشکار و پنهان توسط مرتون - و بالاخره در حوزه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، رویکرد کاربردی مرتون در خصوص اختلال‌های کارکردی که نتیجه پراکندگی قدرت سیاسی رسمی است و نیز مدل ساختاری مرتون در سازگاری یا تعارض وسایل و اهداف در مطالعه انحرافات اجتماعی و همچنین بحث «عدم تعادل» ناشی از سوءیکپارچگی (نظامی که به واسطه تأکید بیش از حد بر اهداف اجتماعی و شیوع یک نوع رفتار ایده‌آل‌گرایانه و متقابلاً عدم تأکید لازم بر وسایل نیل به آن اهداف دچار یک نوع سوءیکپارچگی می‌شود)، همه و همه از موضوع‌های مورد توجه و علاقه مرتون است که طرح دقیق این رهیافت می‌تواند چارچوب مفیدی برای تحلیل جامعه‌شناختی مسائل اجتماعی و نیز ترسیم درستی از توسعه جامعه‌شناسی باشد.

به هر حال کتاب «جامعه‌شناسی مرتون» البته با عنوان اصلی کتاب، یعنی «رابرت. کی. مرتون» نه با پیشوند «جامعه‌شناسی» که از اضافات مترجم محترم است و سطح توقع خواننده را به سطح طرح مباحث محتوایی جامعه‌شناسی مرتون افزایش می‌دهد، گامی نخست در آشنایی با سیر تکوین تفکر جامعه‌شناس بزرگ قرن بیستم، رابرت مرتون، در میان کتاب‌های فارسی‌زبان است.

- بررسی کارکرد واقعی نظام ارزیابی کیفیت کار علمی - اثرات ساختار جمعیت‌شناختی بر تشکیلات اجتماعی علم. در زمینه جامعه‌شناسی علم، نظریه‌های متعدد مابعد مرتونی و اغلب ضدمرتونی بیشتر به بررسی تفصیلی روابط متقابل بین تغییر شناختی و پیشرفت‌های اجتماعی علاقه نشان می‌دهند. به هر حال برنامه مرتون در جامعه‌شناسی علم به عنوان تجزیه و تحلیل‌های کارکردی و از نظر بعضی‌ها «محافظة کارانه» شناخته می‌شود.

در این فصل، نویسنده کتاب تلاش می‌کند اثرگذاری و نفوذ علایق مرتون در «جامعه‌شناسی علم» را به دیگر حوزه‌های موردعلاقه او همانند جامعه‌شناسی معرفت و جامعه‌شناسی سازمان‌ها نشان دهد و نهایتاً اذعان دارد که الگوی کلی مرتون، فاقد نظم و هماهنگی است.

فصل هفتم کتاب با عنوان «مرتون و شیخ مارکس» به این موضوع پرداخته که؛ مرتون در نحوه برخورد و پرداختن به مسایل طبقات اجتماعی، استثمار، سرکوب و سایر مواردی از این دست که یک نظریه‌پرداز را به میراث مارکسیستی جامعه‌شناسی نزدیک می‌کند به مواضع اخلاقی و موعظه‌گرانه جامعه‌شناختی متمایل شده است. هرچند مرتون «طبقه» را بیشتر با مشخصات «بوری» شناسایی می‌کند اما در مورد قشربندی اجتماعی از نقطه‌نظرات مارکس در مسئله طبقات اجتماعی بهره می‌جوید. به‌ویژه آنجا که در مطالعه «مدرسه پزشکی» از مفهوم «اجتماعی شدن» استفاده می‌کند و اصل زیر را در تعیین مسیر خدمات پزشکی در جوامع سرمایه‌داری مؤثر می‌داند: «اصولی که مالکیت و کنترل وسایل تولید را به وسیله جامعه به عنوان یک کل و اداره آن را به وسیله کارگزارهای سیاسی جامعه توصیه می‌کند».

هرچند مرتون از توجه دقیق به مسئله طبقات اجتماعی اجتناب ورزیده، اما در مباحث جامعه‌شناسی علم و تأثیرپذیری ساخت رشته علمی از قشربندی اجتماعی، به اختلاف طبقات و اثرگذاری ساختار رسمی قدرت توجه داشته است.

فصل پایانی کتاب، به نتیجه‌گیری نویسنده اختصاص یافته و در آن به تلاش جامعه‌شناسانه مرتون برای ادغام دو مقوله عاملیت و ساختار در فرمول‌بندی نظری خود اشاره کوتاه دارد. منظور از «عاملیت» نقش کنشگران در انتخاب رفتار و منظور از «ساختار» نیروهای اجتماعی جهت دهنده رفتار است.

کلام ۱۰ صفحه‌ای نویسنده کتاب در فصل پایانی چیزی بیش از تکرار مطالعه گذشته نیست. فهرست پایانی کتاب شامل عناوین تحقیقات و مقالات منتشر شده مرتون از ۱۹۳۴ تا ۱۹۸۵ و نیز فهرست انگلیسی کتب مرجع از جامعیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.

ب - نتیجه‌گیری و ارزیابی:

نقطه‌نظرات عمده رابرت. کی. مرتون در چهار مجلد جمع‌آوری شده است:

- ۱ - «نظریه اجتماعی و ساختار اجتماعی» (۱۹۶۸)
 - ۲ - «دوسودایی در جامعه‌شناسی» (۱۹۷۶) (مجموعه سیزده مقاله)
 - ۳ - «جامعه‌شناسی علم» (۱۹۷۳) (مجموعه مقالات)
 - ۴ - «تحقیقات اجتماعی و حرفه‌های کاربردی» (۱۹۸۲)
- نویسنده کتاب «جامعه‌شناسی مرتون» دکتر چارلز گروئرز